



بیانات معظم له در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) - 14 / خرداد/ 1382

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الأطهرين الأطيبين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقيّة الله في الأرضين.
هر سال روز چهاردهم خرداد فرصتی است برای این که ملت ایران بار دیگر وفاداری خود را به اصول و آرمانهای امام بزرگوار ابراز کند. اگرچه اظهار اخلاص و پیوند دلهای مردم با آن شخصیت برجسته و فراموش نشدنی تاریخ ما، در مراسم بسیاری در طول سال بروز پیدا می کند، اما چهاردهم خرداد خصوصیتی دارد؛ همراه با خاطره غم انگیز فقدان این نعمت بزرگ الهی از میان ماست؛ لذا در چنین روزی دلهای آگاه، بیشتر از همیشه احساس می کنند که باید پیوند و وفاداری خود را با بنیان مستحکمی که آن معمار بزرگ انقلاب در این سرزمین بنا نهاد، تجدید و ابراز کنند. مایلم عرایض خود را با آیه ای از قرآن آغاز کنم که امام بزرگوار ما مصداق آن بود. در سوره مبارکه سجده، خدای متعال ضمن بیان حالات ملتها و اقوام و انسانهای مبارز و پر تلاش مؤمن، این تعبیر را می فرماید: «و جعلنا منهم أئمة يهدون بأمرنا لما صبروا و كانوا بأياتنا يؤقنون»؛ کسانی که دو خصوصیت و دو امتیاز را در خود به وجود آوردند، به این موهبت بزرگ سرافراز شدند که خدای متعال زمام هدایت مجموعه های انسانی را به آنها سپرد. آن دو خصوصیت، یکی صبر است و دیگری یقین؛ «لما صبروا و كانوا بأياتنا يؤقنون». یقین، همان ایمان آگاهانه و روشن بینانه است که وسوسه ها نمی تواند آن را در دل انسان، سست بنیاد کند. صبر، خصوصیتی است که به يك انسان بزرگ این امکان را می دهد که در راه آرمانهایی که آگاهانه و روشن بینانه انتخاب کرده است، به هنگام مواجهه با مشکلات، خود و راه خود را گم نکند؛ هدف را فراموش نکند و منصرف نشود. همه پیغمبران، همه هدایتگران و همه کسانی که توانسته اند در مسیر تاریخ بشر يك اثر ماندگار و تحسین برانگیز از خود به جا بگذارند، باید از این دو خصوصیت برخوردار می بودند. امام راحل ما، این تجدید کننده حیات اسلام در میان ملت ما و امت اسلامی، از این دو خصوصیت برخوردار بود.

امروز بعد از چهل سال که از واقعه پانزدهم خرداد می گذرد، شما ملاحظه می کنید که نهضت مظلوم امام، دنیای اسلام را فراگرفته است. يك روز در همین شهر تهران و در قم، مثل امروز و فردا، کسانی مظلومانه جان باختند؛ چون نام اسلام را به پیروی از امام بزرگوار فریاد می کردند؛ چون با سلطه بیگانه بر این کشور و با استثمار منابع حیاتی این کشور به وسیله بیگانگان مخالف بودند. آن روز هر کس به این صحنه نگاه می کرد، شاید گمان می برد که این سخن و این فریاد به پایان رسیده است. امام را با قساوت هرچه تمامتر دستگیر و از خانه اش ربودند؛ مردم را با وحشیگری هرچه بیشتر سرکوب کردند؛ اما این فکر با الهام از همین قاعده بزرگ الهی - یعنی توأم شدن صبر و یقین - راه خود را ادامه داد. امام پانزده سال مبارزه کرد و به برکت همان ایمان آگاهانه توانست ملت ایران را یکپارچه به صحنه رویارویی با استبداد داخلی و استکبار بین المللی بکشانند. وقتی ملت در معرکه ای پای خود را وسط گذاشت، پیروزی در آن معرکه حتمی است.

فرق امام بزرگوار ما و دیگر مصلحان تاریخ اسلام در یکی دو قرن اخیر همین بود. امام وارد صحنه شد، وسط میدان آمد، میان مردم بود، با مردم حرف زد، اصول خود را برای مردم تبیین کرد و آنها را به ایمان روشن بینانه و آگاهانه ای مثل ایمان خود رساند؛ آن گاه ایمان و انگیزه مردم و تعالیم اسلام، معرکه را به سود حق و حقیقت تمام کرد. دیگران نمی توانستند و نتوانستند این مرحله دشوار را پیش ببرند؛ اما امام توانست. ملت ایران به این اصول اعتقاد پیدا



کرد، ایمان آورد و در راه آن به مجاهدت پرداخت. نتیجه این شد که اولاً نظام اسلامی علی رغم همه کارشکنیها و دشمنیها به پیروزی رسید و روزه روز تا امروز ریشه دارتر شد و ثانیاً فکر تحقق و حیات دوباره اسلام و نجات امت اسلامی از ظلم و استکبار قدرتهای مستکبر، در مرزهای این کشور محدود نماند.

امروز شما به هر کشور اسلامی در شرق و غرب دنیای اسلام بروید - چه در خاورمیانه، چه در کشورهای عربی، چه در شمال آفریقا و چه در کشورهای شرق آسیا؛ در مناطقی که مسلمانان مجموعه هایی را تشکیل داده اند - خواهید دید انگیزه اسلامی، تمایل به حاکمیت اسلام و نفرت از تسلط استثمارگران و استعمارگران و ظالمان، در میان مردم، بخصوص در میان جوانان، نوجوانان، نخبگان و روشنفکران موج می زند. در دنیای اسلام این خبرها نبود. اصول امام چه بود که توانست این موفقیت بزرگ را به وجود آورد؟

محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملت، اهمیت رأی ملتها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست ناپذیری اسلام، شکست ناپذیری مردم.

مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در سطح دنیای اسلام انجام داد، این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام را احیاء کرد. از روزی که استعمار وارد کشورهای اسلامی شد، همه تلاش استعمارگران و سلطه گران این بود که ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام، عدالتخواهی، آزادیخواهی و استقلال طلبی اسلام را از اسلام حذف کنند. سلطه گران برای این که استیلای خود را بر ملتها و منابع کشورهای اسلامی هرچه بیشتر گسترش دهند، خود را ناچار می دیدند که ابعاد سیاسی اسلام را از اسلام جدا کنند و اسلام را به معنای تسلیم در مقابل حوادث، تسلیم در مقابل اشغالگر و تسلیم در مقابل دشمن ظالم و قوی پنجه تفسیر کنند. امام حقایق فراموش شده اسلام را احیاء کرد؛ عدالتخواهی اسلام را سر دست بلند کرد؛ ضدیت اسلام را با تبعیض و اختلاف طبقاتی و اشرافیتها علنی کرد. از روز اوّل تا روزهای آخر عمر، امام بزرگوار روی قشرهای مستضعف، پابرنه ها و محرومان تکیه کرد. بارها و بارها در آغاز تشکیل نظام اسلامی و در طول ده سال عمر با برکتش در مقام رهبری نظام اسلامی، به مسؤولان و به همه ما تأکید کرد که باید رعایت حال ضعفا را بکنید؛ شما مرهون طبقه پابرنه این کشورید. عزیزان من؛ ملت بزرگ ایران! هر جا و در هر موردی ما به این توصیه امام توجه نمودیم و در برنامه ریزیها، قانونگذاریها، اجرا و عزل و نصبها، به این نصیحت عمل کردیم، پیروزی نصیب ما شد.

اسلام سعادت مردم را دنبال می کند. اسلام با فساد و ظلم و تبعیض مخالف است. اسلام برای رفاه مردم در کنار معنویت مردم به میدان آمده است. امام این را از آغاز شروع مبارزات تا تشکیل نظام اسلامی و تا آخر عمر، مکرر بیان کرد. امام عظیم الشان ما در دنیای اسلام این را نشان داد که فقه اسلام - یعنی مقررات اداره زندگی مردم - در کنار فلسفه اسلام - یعنی تفکر روشن بینانه و عمیق و استدلالی - و عرفان اسلام - یعنی زهد و انقطاع الی الله و دامن برچیدن از هواهای نفسانی - چه معجزه بزرگی می تواند بیافریند. امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملتهای اسلامی، تبلیغ می کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست. امروز هم همین را تبلیغ می کنند. امروز هم دستگاههای تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می کند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد، سوق دهد. امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود. اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضد اسلام متحجر و خرافی و همچنین ضد اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم



در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه دشمن اسلام روی آن تأکید می کند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی می خواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه ای بنشیند و به این که دشمن چه می کند، متجاوز چه می کند، اشغالگر چه می کند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ می کنند. امام نقطه مقابل این را در دنیای اسلام مطرح کرد و امروز دنیای اسلام این موج عظیم را در درون خود دارد. شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، می بینید اسلام زنده، در نظر نخبگان، جوانان، دانشگاهیان، دانشمندان، علما و آزادگان آن جا، اسلامی است که بتواند ملت خود را در مقابل زورگویان و قلدان و قدرت طلبان و متجاوزان عالم حفظ و حمایت کند و به آن مصونیت ببخشد و اجازه دخالت و تسلط و سیطره دشمن را بر مردم ندهد. آنها این اسلام را می خواهند و اسلام ناب محمدی یعنی همین.

در مورد مردم، مهمترین کاری که امام کرد، این بود که مفهوم مردم سالاری را از چیزی که طراحان دموکراسی غربی و عوامل آنها در صحنه های عملی می خواستند نشان دهند، به کلی دور کرد. سعی آنها این بود که این طور القاء کنند که مردم سالاری با دین سالاری و دینداری سازگار نیست. امام این مفهوم باطل را زایل کرد و مردم سالاری دینی - یعنی همان جمهوری اسلامی - را در دنیا مطرح نمود. او به زبان هم اکتفا نکرد؛ صرفاً استدلال فکری هم نکرد؛ عملاً این را نشان داد.

امروز نظام جمهوری اسلامی - که یک نظام دینی است و قواعد و اصول و پایه های ارزشی آن از دین سرچشمه می گیرد - یک نظام مردم سالار به تمام معناست و در هیچیک از کشورهای اسلامی، مردم سالاری به شکل وسیعی که در جمهوری اسلامی هست، وجود ندارد. البته این حقیقت برای جبهه دشمنان تلخ است. آنها حاضر نیستند ببینند در مقابل چشمشان پرچم دین و دموکراسی روی یک علم برافراشته می شود. سعی آنها این است که بین مردم سالاری و دین فاصله ایجاد کنند؛ لذا واقعیت نظام جمهوری اسلامی رنجشان می دهد. برای این که بتوانند افکار عمومی دنیا را از این حقیقت درخشان منحرف کنند، با وسایل تبلیغاتی و ابزارها و عمال تبلیغاتی خود، ملت ایران را به دموکراسی دعوت می کنند! این یکی از طنزهای بزرگ امروز ما و این نقطه تاریخ است. همان کسانی که نظام طاغوتی شاه، نظام استبدادی دوران پهلوی، کودتاهای نظامی و نظامهای هیچ از دموکراسی نفهمیده و نشناخته را مورد قبول و تصدیق قرار می دهند، نظام جمهوری اسلامی را که در طول بیست و چهار سال عمرش، بیست و چند انتخابات در آن برگزار شده و از رهبری تا ریاست جمهوری تا نمایندگان مجلس و ارکان نظام آن، با واسطه و بی واسطه، به انتخاب مردم سر کار می آیند و مردم آنها را می شناسند و می پسندند و انتخاب می کنند، به دموکراسی و مردم سالاری دعوت می کنند! این در حالی است که مردم سالاری و میل مردم به شرکت در انتخاب مسؤولان، مثل کشور ما، در خود امریکا - که دشمنان ما و قدرتهای گرافه گوی امریکایی، از پشت بلندگوهای خود، ملت ما و ما را مخاطب قرار می دهند - وجود ندارد. رئیس جمهور امروز امریکا برخلاف قواعد مردم سالاری کشورش سر کار آمده است؛ این را همه می دانند. آنها با نظامهای استبدادی کنار می آیند، چون تسلیم هستند؛ با نظامهایی که بر اثر کودتا به وجود آمده اند، کنار می آیند، چون مطیع هستند؛ اما نظام اسلامی را چون معتقد به استقلال و متکی بر ارزشهای خود است و حاضر نیست سلطه آنها را بپذیرد، مورد انتقاد قرار می دهند و به آن، تهمت استبداد و دیکتاتوری می زنند، که مناسب خودشان است.

امروز همه تلاش جبهه دشمنان اسلام بر این متمرکز است که نهضت بیداری اسلامی را در دنیا از بین ببرند. از همه جا هم بیشتر روی ملت و کشور ایران تکیه می کنند و متمرکزند؛ چون ملت ایران به دنیا الگو داد و با افکار خود و مفاهیم جدیدی که در دنیا برای مسلمانان مطرح نمود و با جهاد جانانه ای که کرد و با شجاعتی که مرد و زن و جوان و پیر ایرانی در دوران بیست و چهار ساله عمر انقلاب از خود نشان دادند، توانست ملتهای مسلمان را به خود متوجه کند و موج بیداری اسلامی را در کشورهای اسلامی به وجود آورد. از این روست که لذا با این کانون مرکزی بیداری



اسلام از همه جا و از همیشه دشمن ترند. این دشمنی را با غرض ورزیها، با اعمال خباثت، با تبلیغات دروغین و با تندخوییهای خشمگینانه نشان می دهند؛ هدف هم این است که ملت ایران و مسؤولان را مرعوب کنند و همه را بترسانند؛ از تجربه های ناموفق خودشان که موجب غرور آنها شده است، استفاده کنند برای این که يك ملت به این عظمت و يك انقلاب و نظام به این استحکام را در مقابل خودشان وادار به عقب نشینی کنند.

ایران اسلامی را در تبلیغات جهانی خود مورد تهمت قرار می دهند و می گویند از تروریسم حمایت می کند، یا تروریستها را پناه می دهد. این يك دروغ بیشمارانه و بسیار وقاحت آمیز است. اگر منظور از تروریست کسی است که برای اغراض خود، جان بی گناهان را هدف قرار می دهد، پس امروز بزرگترین تروریستها زیر دامن امریکا فعالیت می کنند. امروز رژیم صهیونیستی مظهر کامل تروریسم است. شما ملاحظه کنید؛ هر روز که می گذرد، عناصر تروریست رژیم صهیونیستی، انسانهایی را که در خانه خود، روی خاک خود و در سرزمین خود زندگی می کنند، مورد تهاجم قرار می دهد. افکار عمومی ما فراموش نکرده است که در چند سال قبل و در همسایگی ما، دلارهای امریکا و وابستگان امریکایی يك عده تروریست متعصب را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی به وجود آوردند؛ اما نتوانستند از طرح خائنانه خود استفاده کنند و امروز همان لقمه در گلو خودشان گیر کرده است. با ایجاد تعصبات تند و شدید ضد ایرانی و ضد نظام اسلامی، عده ای را به کارهای تروریستی وادار کردند؛ اما امروز خودشان اسیر آنها شده اند.

ایران را به تروریسم متهم می کنند! ایران طرفدار تروریستها نیست، به هیچ تروریستی هم پناه نمی دهد و نداده است؛ اما جمهوری اسلامی معتقد است در سرتاسر دنیای اسلام، میلیونها جوان و انسان آزاده، لبریز از کینه و نفرت ستمگران و اشغالگران امریکایی هستند. شما نمی توانید اینها را تروریست بدانید. نمی توانید اسم میلیونها انسان را در عراق و مصر و عربستان و شمال آفریقا و پاکستان و افغانستان تروریست بگذارید. امروز میلیونها انسان هستند که ظلم نیروهای امریکایی را می بینند - چه به افغانستان دیروز و چه به کشور مظلوم عراق امروز - اینها تروریستند؟! مجاهدین فلسطینی که از سرزمین خود دفاع می کنند، تروریستند؟! مردم مظلوم فلسطین که هر روز با تانکها و آتش پُر حجم و انبوه نظامیان صهیونیست مواجهند و از خود دفاع می کنند، تروریستند؟! جوانان مؤمن لبنانی که در مقابل تهاجم بی وقفه اسرائیل ایستادند و با نثار جان خود توانستند صهیونیستها را از لبنان عقب برانند و امروز هم وجود آنها موجب شده است که اسرائیل جرأت نکند به لبنان حمله کند، تروریستند؟! اگر جوانان مؤمن مبارز لبنانی نبودند، اسرائیل برای آمدن تا شهر بیروت هم برای خودش مانعی نمی دید؛ کما این که آمد. جنوب لبنان سالها در اشغال آنها بود؛ تا بیروت آمدند و آن همه فاجعه آفرینی کردند، که ممکن نیست از یاد کسی برود. جوانان مؤمن لبنانی دست را از آستین درآوردند؛ به بیداری ای که امام بزرگوار ما به دنیای اسلام داد، لَبَّیک گفتند و ایستادند. امروز به خاطر وجود این جوانان، اسرائیل جرأت نمی کند به لبنان حمله کند. اینها تروریستند؟! تروریستها کسانی هستند که با ملتها در خانه های خودشان مقابله و مبارزه می کنند.

امروز دنیای اسلام دلش از اشغال نظامی عراق پُر است. شما چرا عراق را اشغال نظامی کردید؟ چرا به ملت عراق اجازه نمی دهید خود، سرنوشت و دولت خود را تعیین کند؟ فرق شما با صدام چیست؟ صدام هم مستبد و دیکتاتور بود، شما هم مستبد و دیکتاتوری. صدام يك طور دیکتاتوری می کرد، شما طور دیگری دیکتاتوری می کنید؛ اما نمی توانید کاری از پیش ببرید. مسؤولان امریکایی - این نو محافظه کارانی که خیال می کنند می توانند دنیای اسلام را با جنگ فتح کنند - گوشه‌هایشان را باز کنند و بشنوند: شما نمی توانید با اسلام و امت اسلامی دریفتید؛ شما به آنچه در افغانستان و عراق اتفاق افتاد، مغرور شدید؛ این از ضعف تحلیل شماست؛ این نشان دهنده آن است که شما نمی توانید حوادث را درست بشناسید. شما در افغانستان با ملت افغانستان مواجه نبودید؛ در عراق هم با ملت عراق مواجه نبودید. ملت عراق نخواست از رژیم صدام دفاع کند و نمی کرد؛ کما این که در افغانستان، ملت افغانستان نخواست از رژیم طالبان حمایت کند و نمی کرد؛ اما شما با ورود قلدرا به عراق، قدم به قدم ملت عراق



را به سوی يك رویارویی سخت با خودتان نزدیک می کنید.

به ملت شریف و غیور عراق فشار می آورند و اهانت می کنند؛ ملت عراق با نخبگان و فرزانش، با فرهنگ عمیقش، با عشایر غیورش. این همه عشایر غیور در عراق هستند؛ این همه انسانهای فهمیده و دارای فرهنگ عمیق در عراق هستند. آن وقت می گویند گروهی از عراقیها جمع شوند و به عنوان مشاور حاکم امریکایی کار کنند! حاکم امریکایی در عراق چه کاره است؟! این حرف مردم عراق است. دشمن شما در عراق، ملت عراق است؛ چرا جمهوری اسلامی را متهم می کنید؟

می آیند می ایستند و با گزافه گویی هرچه تمامتر می گویند ما از نفوذ ایران در عراق نگرانیم! در حقیقت، ما از حضور شما در عراق نگرانیم. امریکا و انگلیس به چه حقی در عراق حضور نظامی دارند؟ به چه حقی در شهرهای عراق حاکم نظامی منصوب می کنند؟ صحنه عراق و صحنه افغانستان، دروغ بودن ادعای مردم سالاری و طرفداری از حقوق بشر را که امریکاییها خود را پرچمدار آن می دانند، ثابت کرد. معلوم شد نه به مردم، نه به ملتها، نه به آراء و نه به حقوق انسانها هیچ اعتقادی ندارند. تنها چیزی که به آن اعتقاد دارند، عبارت است از پُر کردن جیب کمپانیهای مؤثر در پشت صحنه حکومت امریکا؛ یعنی کمپانیهای نفتی، کمپانیهای تسلیحاتی و دستگاههای عظیم پولی و مالی که پشت صحنه حکومت امریکا و بعضی حکومتهای دیگر را اداره می کنند.

من به شما ملت ایران عرض می کنم: تهدید امریکا مربوط به امروز نیست؛ چیز جدیدی هم نیست. از اول انقلاب، اینها ما را تهدید کرده اند. دشمنی جبهه امریکا و همپیمانانش با نظام اسلامی، چیز جدیدی نیست. خود آنها هم می دانند که حمله نظامی به ایران، به این ملت بزرگ، به ملتی که این همه جوان مبارز و زنده و آماده در صحنه دارد، خودکشی مهاجم است. ملت ایران می داند؛ خوب است دشمنان ملت ایران هم بدانند: مسؤولان جمهوری اسلامی، کشور را به ورطه جنگ با هیچ کس نمی کشانند. ما ملت و کشورمان را در معرض جنگ قرار نمی دهیم و از جنگ استقبال نمی کنیم؛ اما هم ملت، هم مسؤولان، هم دولت، هم همه آحادی که در این کشور از غیرت و جوانمردی برخوردارند، در عین این که به سمت جنگ نمی روند، اگر کسی جنگ با آنها را انتخاب کرد، با او بسیار قدرتمندانه و سرسخت برخورد خواهند کرد.

البته آنها می دانند که جنگ با ایران، هزینه بسیار سنگینی دارد؛ می دانند که جنگ با ایران، جنگ با يك رژیم نیست، جنگ با يك دولت کودتایی نیست، جنگ با يك حکومت نظامی نیست، جنگ با يك ملت است؛ لذا خود آنها هم از جنگ استقبال نمی کنند؛ اما می خواهند با مطرح کردن نام جنگ و تهدید به جنگ، ملت و در درجه اول مسؤولان را مرعوب و وادار کنند که در مقابل آنها تسلیم شوند؛ منافع آنها را تأمین نمایند و به ملت خود خیانت کنند. این را بدانند که در میان مسؤولان کشور و در قوای سه گانه، هیچ کس نمی تواند اندک انگیزه ای داشته باشد برای این که ملت ایران و مصالح او را تسلیم دشمن بیگانه کند. اگر کسی در جهت تسلیم منافع ملی و ملت ایران به دشمن حرکت کند، ملت او را با نهایت بی رحمی کنار خواهد زد. خدمت به ملت ایران يك افتخار است. مسؤولان کشور روی دفاع از حقوق و حفظ حیثیت و آبروی این ملت و دفاع از استقلال این کشور، همدستان و همسختند. این را همه بدانند، که البته می دانند.

دستگاههای تبلیغاتی دشمن - که متأسفانه در داخل کشور گاهی شعبه هایی هم پیدا می کنند - تبلیغ می کنند که بین مسؤولان دعوا و اختلاف است. خود و دوستان خود را به این دلخوش می کنند که این اختلاف موجب می شود تا از دشمن غافل شوند. من به شما ملت عرض کنم: مسؤولان کشور در قوای سه گانه، در مقابله با دشمنان اسلام و در دفاع از اصول اسلام، همفکر و همقول و همجهتند. دشمنان اسلام، این آرزو را به گور خواهند برد که ببینند در ارکان نظام اسلامی کسانی وجود دارند که می خواهند با اصول امام و راه روشن این انقلاب و نظام اسلامی مبارزه کنند و می توانند در دستگاهها و ارکان نظام جمهوری اسلامی مؤثر باشند.



البته من سه چهار سال پیش در مثل چنین روزی گفتم: همّت دشمن این است که عناصر بیگانه را به داخل بدنه های حکومت نفوذ دهد. ممکن است دشمن بتواند یا توانسته باشد عناصری را به داخل مجموعه مسؤولان نفوذ دهد، یا عناصر ضعیف و سست همّتی را به سمت خود جلب کند؛ اما این به هیچ وجه به کار دشمن نخواهد خورد؛ چون اصول امام، اصول انقلاب و پایه های مستحکم آن مورد قبول مسؤولان نظام و قوای سه گانه و همه دست اندرکاران اصلی این کشور است و پشتوانه محکم آن هم این ملت بزرگ است. هر که از این راه تخطی کند به سقوط خود کمک کرده است.

خدا را سپاسگزاریم که نام و یاد امام را در میان ملت ما همچنان زنده و شاداب نگه داشته است. هر روز که گذشته است، ارزش اصول امام بزرگوار ما برای حفظ عزّت و حیثیت این کشور، برای انسانهای آگاه و هوشیار، بیشتر روشن و مشخص شده است. خدا را شکرگزاریم که مسؤولان کشور، ارادتمندان امام و رهروان راه او هستند. خدا را سپاسگزاریم که ملت ما زنده است.

البته من به همه مسؤولان کشور بارها گفته ام، امروز هم مجدداً در این محضر عام تکرار می کنم: بزرگترین مبارزه با امریکا، خدمت به این مردم است. هر که می خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند، باید به این مردم خدمت کند. هر که می خواهد با دشمنان این ملت مبارزه عملی کارآمد کند، با فساد مبارزه کند. ابزارهای دشمن در درون کشور و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله طبقاتی. ما باید با اینها مبارزه کنیم. این وظیفه دولت و مجلس و قوه قضاییه و همه ارکان نظام است. به مردم خدمت کنند، با مفسد مماشات نکنند، فساد را در بدنه دستگاههای حکومت به هیچ وجه نپذیرند و تحمل نکنند؛ این بزرگترین خدمت است.

ما در این راه طولانی اگر احساس انحراف کردیم، باید آن را برطرف کنیم؛ باید خود و برنامه مان را اصلاح کنیم؛ اصلاح بر اساس همان قواعد مستحکم انقلاب که امام بزرگوار آن را از اسلام استفاده کرد و به ما و ملت ما آموخت. با استفاده از اینها، اصلاح واقعی عبارت است از این که با فقر و تبعیض مبارزه شود؛ عدالتخواهی، یک انگیزه همگانی برای مسؤولان باشد؛ خدمت به مردم، یک وظیفه و احساس دینی در اعماق وجود مسؤولان باشد؛ این می شود راه صحیح امام.

امیدواریم ارواح مطهر انبیا و اولیا، ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار، در پیشگاه پروردگار، توفیق مسؤولان و ملت ما را در تداوم این راه بخواهند و ادعیه زاکیه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شامل حال ملت ایران و مسؤولان شود.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته